

چرا فیلمنامه ۵ هزار ممنوع الخروج تغییر کرد؟!

یک مقام عده ممنوع الخروج ها را ۵ هزار نفر ذکر می کند، اما رقم دیگری این

عده را ۱۶۰۰ نفر نشان می دهد. دلیل این تفاوت آمار در چیست؟

در نظام بانکی ایران چه گذشته است و چه می گذرد؟

اگر فقط اظهارات رسمی مقامات بلند پایه و قضات مسوول را در مورد عملکرد نظام بانکی کشور جدی بگیریم و به بوته فراموشی نسپاریم، ناگزیر خواهیم بود اعتراف کنیم عملکرد گذشته نظام بانکی، ساز و کار کنونی و شیوه اعمال قدرت از سوی دولت و نهادهای گوناگون بر این نظام باید مورد بازنگری قرار گیرد.

نظام بانکی دولتی ایران از لحاظ جذب منابع و کسب حداکثر سود از عملیات بانکی در جهان بی نظیر است. این نظام ۲۲ سال است پس اندازهای مردم را به صورت های کوتاه، میان و دراز مدت می گیرد و به ترتیب سالی ۸، ۱۳ و ۱۸ درصد سود مشارکت (یا همان بهره) به سپرده گذاران می پردازد. (اخیراً یک درصد هم از این میزان سود کاسته شده است). همین نظام بانکی از محل همین سپرده ها به وام گیرندگان پول و اعتبار می دهد و بابت آن (باید) نظر گرفتن کار مزد، زیان، دیرکرد و... به طور متوسط سالی ۲۸ درصد سود دریافت می کند.

ارقام سپرده های کوتاه مدت (۸ درصد سود)، میان مدت (۱۳ درصد سود) و دراز مدت (۱۸ درصد سود) به تفکیک مشخص نیست تا بتوان میزان سود واقعی بانک ها را اعلام کرد. اما اگر با خوش بینی فرض را بر این بگذاریم که متوسط سود پرداختی بابت سپرده گذاری ها ۱۴ درصد است، آنگاه در می یابیم که بانک ها فقط از صدها هزار میلیارد ریال سپرده گذاری مردم، سالی ۱۴ درصد درآمد داشته اند (تعیین رقم واقعی و تصحیح رقم پیشنهادی ما بر عهده اقتصاد دانان است، البته مشروط بر این که نظام بانکی ارقام و آمار مورد نیاز آنها را در اختیارشان بگذارد.)

خب! در کجای دنیا بانکی را سواغ دارند که بابت تفاوت بهره پرداختی به سپرده گذاران و

در یافتی از وام گیرندگان، نه چهار درصد، نه ده درصد، حتی شش درصد سود ببرد؟ چون این مورد در واقع نصیب دولت می شود، پس دولت های ایران باید یکی از موفق ترین دولت های جهان برای تأمین بودجه کشور محسوب می شود و توسعه ای باشد، اما می دانیم چنین چیزی در دولت، خصوصاً در دوران موسوم به سازندگی نه تنها از منابع داخلی و از جمله بانک ها استقراض می کرده بلکه چند میلیارد دلار نیز قرض خارجی داشته است.

حال وقت آن است که برخی حقایق را که از زمان مقامات رسمی شنیده شده است، مورد مذاکره قرار دهیم. هجرت الاسلام و پیوستن، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در مبرماه جاری گفته است: در حالی که مردم عادی برای گرفتن وام های ضروری و مورد نیاز خود از بانک تقاضای وام می کنند و از آنها جواب منفی می شنوند، افرادی بوده اند که با ایجاد ۹ شرکت صوری، اقدام به اخذ وام های میلیاردی کرده اند... بانک ها علاوه بر تلفات فراوانی که در پرداخت تسهیلات به افراد



ذی نفوذ دارند، بعضاً در به کار گرفتن سرمایه های مردمی از دقت بسیار پایینی برخوردارند و بعضاً آمین مناسبی برای پول های مردم نیستند... در اغلب پرونده های سیستم اقتصادی، های بانک به میان کشیده می شود. مثلاً پرونده پرداخت وام ۵ میلیارد تومانی به مؤسسه ای که به عنوان کار تحقیقاتی، نوعی تجارت کاذب داشت که توسط سازمان بازرسی کل کشور کشف شد... گاه یک شخص با تأسیس یک شرکت صوری توانسته است وام های جداگانه بگیرد. در حالی که برای دادن وام های بانکی به کارخانجات و صنعتگران اغلب بانک ها مشکل دارند و حتی مردم برای گرفتن یک وام ساده از دواج از تسهیلات لازم برخوردار نیستند، چگونه این وام ها در اختیار مؤسسات خاص قرار می گیرد؟

چون آقای ریسی چندبار در مورد بانک ها از واژه بعضاً استفاده کرده، می توان در نظر گرفتن که چنین روندی در همه بانک ها جریان نداشته است و در همین نظام بانکی، مدیرانی هستند که رعایت قوانین را کرده اند، اما بانک های متخلف کدام ها هستند؟

پرسش دیگر این است که نام چند نفر از دریافت کننده گان این اعتبارات نامشروع و غیرقانونی در فهرست افراد ممنوع الخروج قرار دارد؟

می پرسید کدام فهرست؟

همان فهرستی که کلیات آن در اواخر شهریور، بدون هیچ پیش زمینه قبلی، در مطبوعات منتشر شد و حاکی از آن بود که پنج هزار نفر از بدهکاران به سیستم بانکی کشور ممنوع الخروج هستند.

همزمانی انتشار این خبر با مباحث داغی که راجع به پیامدهای شوم رانت خواری بر اقتصاد کشور و نقش آقازاده ها در بهره گیری های غیرمعارف از امکانات اقتصادی جریان داشت، این گمان را به وجود آورد که قرار است بعضی چیزها

همزمان با جدی تر شدن مبارزه با رانت خوران و آقازاده ها، ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران خبری چند سطری را از قول مقامات قضایی اعلام کرد که در آن خبر تصریح شده بود پنج هزار نفر از بدهکاران به سیستم بانکی از سوی مقامات قضایی ممنوع الخروج شده اند. درباره این خبر که به سرعت به تیتر رسانه های داخلی و خارجی تبدیل شد، چند روز بعد و در تاریخ یازدهم شهریور ماه روزنامه ایران از قول آقای ناصر سراج رییس مجتمع قضایی فرودگاه مهرآباد نوشت: «برمبنای ماده واحد سال ۱۳۵۸، دادستان باید براساس اسامی اعلام شده از سوی بانک مرکزی، افراد بدهکار به بانک ها را ممنوع الخروج کند و این ممنوعیت تا هنگامی که بانک مرکزی آن را رفع نکند، ادامه می یابد. آقای سراج در این مصاحبه تصریح کرد: «دادستان در ماجرای ممنوع الخروج شدن افراد حق ورود به ماهیت پرونده را ندارد، اما بلافاصله گفت که ما به دنبال راهکارهایی برای رفع ممنوعیت خروج این عده هستیم.»

وی در توضیح ساز و کار ممنوع الخروج شدن این افراد گفت: «در مجموع افرادی که وام کلان می گیرند، علاوه بر گذراندن وثیقه ممنوع الخروج نیز می شوند.»

اما برخلاف گفته آقای سراج، روزنامه ایران روز سیزدهم شهریورماه از قول یک مقام آگاه در بانک مرکزی نوشت: «افراد که بیش از ۵۰ میلیون ریال به بانک ها بدهکار باشند در صورت عدم ارایه وثیقه مناسب ممنوع الخروج می شوند. همین مقام با اعلام اینکه افراد ممنوع الخروج شده عمدتاً بازرگان نیستند، از اندک بودن شمار پیمان سپاران ارزی در میان افراد ممنوع الخروج شده خبر داد. یک مقام آگاه وزارت بازرگانی هم در اظهاراتی که در همین تاریخ در روزنامه ایران درج شد اعلام کرد:

این وضع ناشی از آن نبود که مصاحبه شوندگان صداقت نداشتند و نخواستند همکاری کنند، بلکه علت را باید در سیستم «لابیرنتی» حاکم بر اقتصاد کشور جستجو کرد. در این سیستم، حتی مؤثرترین مدیران اطلاعاتی دارند، اما این اطلاعاتی تاجایی امتداد می یابد که تصمیم گیرندگان و مدیران ارشد تر تعیین کرده اند. مثلاً یک مدیر حقوقی فقط می داند عده ای را ممنوع الخروج اعلام کرده اند، اما

بسیست روز دوندگی گزار شکر مجله

برای پی بردن به این موضوع که نام چند نفر از دانه درشت ها در لیست ممنوع الخروج های سیستم بانکی قرار دارد، بی نتیجه ماند. او همیشه و در همه جا بادر ها و دهان های بسته مواجه می شد

از این که آن افراد چه کسانی هستند، چه مبلغ و تحت چه ضوابطی وام گرفته اند یا پیمان سپرده اند و وابسته به کدام مرکز قدرت هستند، یا از جانب چه کسی حمایت می شوند، اطلاعی ندارد.

قلاع فتح نشدنی

می توان گفت سیستم اقتصادی و نظام بانکداری ماقبله های تو در تویی هستند که اگر بتوان در قلعه اول را گشود، به در بسته قلعه دیگری برخورد خواهیم کرد. اگر در این قلعه و قلعه های دیگر را بگشاییم (و تواناییش را هم داشته باشیم) سرانجام به دری می رسیم که گشودنش، غیر ممکن است. گزارش همکار ما که در زیر آمده این واقعیت را در خود مستتر دارد:

رو شود. گرچه بعضی ها معتقد بودند این موج سازی برای بحران آفرینی در برابر کابینه جدید آقای خاتمی است ولی ما فرض اول را جدی تر که رفتیم و کوشیدیم به اصطلاح از ته و توی قضیه سر در آوریم و حقایق را برای مخاطبان نشریه منعکس کنیم. اما هر جا گرفتیم، به در بسته برخورد کردیم!

ما می دانستیم آن لیست پنج هزار نفری فقط شامل کردن کلفت ها و رانت خواران اصلی نیست، بلکه بخش اعظم اسامی موجود در آن، متعلق به کسانی است که یا بدهی های اندکی بابت وام های عادی اخذ شده به بانک ها دارند و یا در ارتباط با کسانی است که نتوانسته اند و یا نخواسته اند ارز حاصل از صادرات (پیمان سپاری) را به شبکه بانکی کشور بپردازند. اما این راه می دانستیم که می توان امیدوار بود نام تعدادی از دانه درشت ها را در این فهرست مشاهده کرد.

ما آقای نادر کریمی جونی، همکار مجله را مأمور مراجعه به مسؤولان قضایی و بانکی کردیم و ایشان هر روز، در پایان دوندگی ها و مراجعات حضوری یا تماس های تلفنی با مقامات مسؤول تقریباً با دست خالی بر می گشت. در حین که این همکار سرگرم دوندگی برای سر در آوردن از چند و چون این فهرست بود سناریوی بازی نیز تغییر کرد. بدین ترتیب که برخلاف روزهای نخست که همگان از ۵ هزار ممنوع الخروج سخن می گفتند، رفته رفته خبرهای حساب شده ای انتشار می یافت تا این لیست را بی اهمیت جلوه دهد.

جان کلام این که دست آخر، قضیه این لیست هم مثل خیلی از قضایای دیگر به حاشیه رانده شد و از یادها رفت و ما ماندیم با کلی گویی برخی از مقامات و مسؤولینی که اکثر آنها با حسن نیت با گزار شکر مجله به گفت و گو نشستند، اما از حرف ها و اطلاعاتشان چیزی عاید نشد.

آرامکس
ARAMEX

International Courier & Cargo

حمل و نقل هوایی بین المللی

E-mail: aramex_tehran@hotmail.com

تلفن : ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس : ۶۴۰۴۳۹۶

ممنوع الخروج شدن بازرگانان پیمان
سپار به پیش از سال ۱۳۷۷ باز می‌گردد و ۶۶ قلم کالایی که هم اکنون برای صدور آنها، سپردن پیمان ارزی ضروری است، عمدتاً در فهرست کالاهای صادراتی دولتی قرار دارد. اما این توضیحات نه تنها نتوانست عطف افکار عمومی برای دریافت حقیقت ماجرای ممنوع الخروج شدن بدهکاران به نظام بانکی را فرونشاند، بلکه ابهامات این مسأله را نیز دوچندان ساخت.

تاریخچه ماجرا

ماجرای تدوین قانون برای ممنوع الخروج کردن بدهکاران به سیستم بانکی به ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و اوایل سال ۱۳۵۸ باز می‌گردد. در این زمان، با توجه به وجود سرمایه‌های بانک‌های ایرانی و یابانک‌های مختلط-مانند بانک‌های مشترک فی مابین ایران و برخی کشورها- نزد افراد حقیقی و برای جلوگیری از خروج این سرمایه‌ها، شورای عالی انقلاب طی مصوبه‌ای به بانک مرکزی اجازه داد کلیه بدهکاران به سیستم بانکی را که از سوی مدیران و یا نمایندگان بانک‌ها معرفی شوند، از طریق دستگاه قضایی ممنوع الخروج کنند. پس از این مصوبه، بانک مرکزی طی بخش‌نامه‌ای از بانک‌ها خواست تمامی بدهکاران خود را معرفی کنند تا از طریق مراجع قضایی خروج ایشان از کشور ممنوع شود. متعاقب صدور این بخشنامه و اجرای آن، خروج عده کثیری که در میان آنها برخی افراد خارجی نیز وجود داشتند، از کشور جمهوری اسلامی ایران ممنوع شد.

آقای میرابوالفضل سیدخلیل‌اللهی دبیر کمیته ممنوعیت خروج در بانک تجارت در این باره می‌گوید: پس از صدور این بخشنامه مثلاً در بانک تجارت که از ادغام ۱۳ بانک مختلف تشکیل شده بود، شش هزار نفر ممنوع الخروج شدند و چون برخی از این بدهکاران، خارجیانی بودند که از بانک‌های مشترک ایران با برخی کشورها-مانند بانک ایران و هلند و...- در پیش از وقوع انقلاب اسلامی وام گرفته بودند، در میان فهرست ممنوع الخروج شدگان نام افراد و خارجی هم به چشم می‌خورد. به این ترتیب، براساس همین بخشنامه حتی دریافت کنندگان وام‌های کوچک و خرد که اقساط آن را برابر تعهدات پرداخت می‌کردند و یا مدیران دولتی که به سبب جایگاه اداری برای مجموعه تحت امر خویش وام گرفته بودند، ممنوع الخروج شدند و همین امر رفته رفته معضل حادی را در کشور پدید

آورد.

با گذشت زمان، مشکلات پنهان این قانون عام بیشتر رخ نمایاند و مدیران نظام بانکی بر آن شدند تا به رفع مشکلات این قانون همت گمارند. بنابراین پس از تشکیل جلسات مختلف کارشناسی مقرر شد که برای حفظ وجهه نظام جمهوری اسلامی ایران، ممنوعیت خروج بدهکاران خارجی رفع شود.

آقای سیدخلیل‌اللهی در این باره توضیح می‌دهد: به ویژه در بانک تجارت که عده زیادتری بدهکار خارجی را معرفی کرده بود، رفع ممنوعیت افراد خارجی برای خروج از کشور ما تأثیری قابل ملاحظه داشت.

وی درباره اینکه بازگشت سرمایه‌ها و اخذ طلب بانک پس از رفتن بدهکاران خارجی به چه سرنوشتی دچار شد، گفت: هرچند با رفع این ممنوعیت برخی مطالبات بانک به حساب طلب‌های

بحث رانت خوارها، آفازاده‌ها و ممنوع

الخروج‌ها همانگونه که یکباره اوج

گرفت، یکباره نیز فروکش کرد. گویی

بادی وزیدن گرفت و از فراز سرما گذشت

و بار دیگر سکوت برقرار شد!

سوخته منظور شد، اما این بانک از طریق وزارت امور خارجه و بانک مرکزی، بدهی آن دسته از بدهکاران خارجی را که پرونده‌شان جزئی از پرونده دعوی ایران در دادگاه لاهه بود، پیگیری کرد و در مواردی هم موفق به دریافت مطالبات خود شد.

دومین گروهی که از فهرست ممنوع الخروج شده‌گان، لغو شده است و چنانچه این ممنوعیت هنوز هم ادامه داشته باشد، شخص می‌تواند با ارائه مدارک نسبت به رفع آن اقدام کند. البته در صورتی که مدیر، بازپرداخت وام را شخصاً از اموال خویش ضمانت کرده باشد، معمولاً این ممنوعیت رفع نمی‌شود که در چنین حالاتی، بسته به شرایط ممکن است تسهیلاتی در نظر گرفته شود. اما این شیوه مقبول تمامی بانک‌ها نیست.

آقای شاهپور افشاری معاون اداره حقوقی بانک سپه در این زمینه می‌گوید: بانک سپه به هر صورت مدیر مجموعه وام گیرنده را بدهکار می‌داند و

چنانچه مدیریت یک مجموعه دولتی که وام دریافت کرده، تغییر یابد از مدیر قبلی رفع ممنوعیت می‌شود و ممنوعیت خروج به مدیر جدید انتقال می‌یابد. به همین علت هم، گاهی اتفاق افتاده که حتی یکی از اعضای هیأت مدیره بانک سپه، ممنوع الخروج شود.

عامل دیگر کاهش تعداد ممنوع الخروج شدگان، تعیین حداقل میزان بدهی به پانصد میلیون ریال و نیز تجدید مکانیزم شمول این قانون بر افراد بود. در این باره بانک مرکزی طی بخشنامه‌ای با تعیین حداقل میزان بدهی برای مجاز شدن درخواست ممنوعیت خروج بدهکار از کشور، تأکید کرد:

در صورتی که فرد وام گیرنده بازپرداخت وام را از طریق ضامن معتبر و یا وثیقه کافی تضمین کرده باشد، بانک مجاز به صدور درخواست ممنوع شدن خروج وی از کشور نخواهد بود.

در این رابطه، هرچند برخی کارشناسان حقوقی در بانک مرکزی می‌گویند که در بانک مرکزی هیچ گونه کار کارشناسی بر روی پرونده‌های ممنوع الخروجی‌ها انجام نمی‌شود، اما آقای عبدالعلی نظافتیان، مدیرکل حقوقی بانک صنعت و معدن می‌گوید: به دلیل آنکه بانک مرکزی در موضوع ممنوع کردن خروج افراد بدهکار، نوعی وظیفه هماهنگی را برعهده دارد، در مواردی ممکن است درخواست بانک‌ها را در این زمینه را مردود بشمارد.

آقای سیدخلیل‌اللهی نیز در این زمینه اضافه می‌کند: عقیده حاکم در بانک مرکزی این است که اهرم ممنوع نمودن خروج افراد از کشور در واقع به بانک مرکزی تعلق دارد و این بانک‌های وام‌دهنده هستند که می‌باید به هنگام پرداخت وام تضمین کافی را برای استیفای حقوقشان مطالبه کنند.

دبیر کمیته ممنوع الخروجین در بانک تجارت اضافه می‌کند: توسل به اهرم ممنوع الخروج کردن افراد، به همین دلیل در برخی موارد کارساز نیست و گاهی پس از اعلام معاون حقوقی و یا مسئولان ذی‌ربط بانک‌ها مشاهده شده است که فرد بدهکار آزادانه به خارج از کشور رفت و آمد دارد.

اکنون این پرسش پیش می‌آید اگر مطابق آنچه گفته شد، بانک‌ها موظف به تمسید تدابیر لازم برای بازگشت سرمایه‌های خود هستند، چرا ممنوع کردن خروج مشتری از کشور ضروری می‌شود؟ در این باره هرچند برخی بانک‌های تخصصی، مانند آنچه آقای فرشچیان مدیر حقوقی بانک مسکن

آورده اند، چنانکه از یک مشتری ممکن است همزمان وثیقه ملکی و هم ضمانت (سفته) برای بازپرداخت اصل و سود متعارف وام اخذ شود. در این میان، کارشناس ارشد بانک ملی می گوید:

در این بانک فقط هنگامی که احساس شود بدهکار قصد تصرف و عدم بازپرداخت پول را دارد، درخواست ممنوعیت خروج او از کشور صادر می شود. در بسیاری از موارد به ویژه به هنگام دریافت وام برای کارخانه جات تولیدی، وام گیرنده کارخانه را به عنوان وثیقه در اختیار بانک قرار می دهد که پس از گذشت چند سال و استهلاک ماشین آلات و دستگاه های کارخانه ممکن است ارزش روز آن کارخانه از میزان وام و سود آن کمتر باشد. حالت دیگر آن است که کارخانه معرفی شده، سهل البیع نباشد و بانک برای احیای مطالبات خویش دچار ضرر و زیان بیشتری شود و گذشت زمان به افزایش خسارات تأخیر بینجامد که در این صورت، ترجیح داده می شود که فرد، ممنوع الخروج شود تا خود مجبور به بازپرداخت طلب بانک گردد. این امکان هم هست که وام گیرنده پول هایش را از کشور خارج کرده باشد و

در افزایش بدهی وام گیرندگان، می گوید: گاهی اوقات پرداخت وام براساس سودآور بودن طرح و بدون اخذ وثیقه صورت می گیرد. مثلاً در طرح های تولیدی و برای تسهیل کار تولیدکنندگان و کمک به صنعت گران کشور، گاهی بانک ها پس از مطالعه طرح های پیشنهادی و احراز سودآور بودن آن، نسبت به پرداخت وام اقدام می کنند. در این صورت ممکن است حتی با مشاهده برخی نابسامانی ها در بازار و یا در تولید، سهلت بازپرداخت وام نیز تعدید شود. در این حالت، گاهی عدم توانمندی شخص برای بازپرداخت وام و سود آن احراز می شود و به دلیل عدم دریافت وثیقه مناسب، درخواست ممنوعیت خروج او از کشور به بانک مرکزی اعلام می شود.

آقای نظامیان نیز در این زمینه می گوید: پیش بینی دقیق به هنگام اخذ وثیقه کار دشواری است، چون با گذشت زمان ممکن است در قیمت وثیقه دریافت شده تغییراتی به وجود آید که منافع بانک را به خطر اندازد. این امر به ویژه به هنگام پرداخت وام های ارزی ملموس تر است. به همین دلیل، برخی بانک ها به اخذ وثیقه های تلفیقی روی

می گوید، توانسته اند با دریافت وثیقه های مناسب و غیرمنقول از سوخت شدن مطالبات خویش جلوگیری کنند، ولی اوضاع در سایر بانک ها چنین نیست؛ آقای مشورت، کارشناس بانک رفاه کارگران می گوید: حتی در مواردی که وثیقه مناسب از وام گیرنده اخذ می شود در صورتی که وی نتواند اقساط وام دریافتی را در زمان مقرر پرداخت کند، خسارات تأخیر ممکن است رقم بدهی را چنان افزایش دهد که وثیقه تکافوی پرداخت اصل و خسارات تأخیر وام را نکند.

وی در همین رابطه، توضیح دهید: به طور کلی، تعیین وثیقه برای بازپرداخت وام با اصل مبلغ وام و سود متعارفشان برابر است و به موجب مقررات بانک حق ندارد احتمال عدم پرداخت وام یا خسارات تأخیر را در تعیین وثیقه لحاظ کند و به همین دلیل است که به هنگام تأخیر مشتری در بازگرداندن اقساط وام، گاهی مجموع مبالغ وام، سود متعارف و خسارات تأخیر از میزان وثیقه سپرده شده تجاوز می کند.

آقای شاهپور افشاری، معاون اداره حقوقی بانک سپه ضمن تأکید بر تأثیر مبالغ خسارات تأخیر



مؤسسه خیریه علم
مرکز آموزشی، توانبخشی و
فرزندان معلول کارگرا

شماره حساب های مشارکت های مردمی
حساب جاری ۶۰۸۵۵ بانک رفاه کارگران شعبه تدریس کد ۱۱۱
حساب جاری ۹۶۲ بانک صادرات شعبه آصف کد ۲۸۵۸۸

بابال سگته پرکشودن، هنر است



خدمات رایگان مرکز توانبخشی:

کاردرمانی - گفتار درمانی - روان شناسی - فیزیوتراپی
دندانپزشکی - پزشکی عمومی - شنوایی شناسی - بینایی سنجی
آزمایشگاه - داروخانه - رادیولوژی - روان پزشکی - مددکاری - مشاوره

و کلاس های آموزشی:

سازماندهی ذهنی - خیاطی - گلدوزی - سبدهبافی - حصیربافی
گلسازی - قالی بافی - چرم دوزی - قلاب بافی - مکرومه بافی

نشانی: خیابان ولیعصر، خیابان سرلشکر فلاحتی (زعفرانیه)، خیابان شهید اعجازی
خیابان شهید بهزادی، خیابان شهید میرزایی، شماره ۵۰
تلفن: ۲۴۱۰۳۹۹ - ۲۴۱۳۴۷۵ - ۸ و ۲۴۱۱۶۶۷ - ۲۴۱۳۰۶۹ - دورنویس:



کارخانه ای که به عنوان وثیقه به بانک معرفی شده، دارای زیان انباشته باشد که در این صورت با تملک کارخانه نه تنها طلب بانک اعاده نمی شود بلکه زیان انباشته کارخانه و نیز مشکل کارگران کارخانه که به هر حال مدیریت را مسؤول بازپرداخت مطالبات و حقوق خویش می دانند به بانک منتقل می شود که در این حالات هم بانک ملی ترجیح می دهد برای جلوگیری از تعمیق مشکل، فرد وام گیرنده را ممنوع الخروج سازد. در مقابل آقای محمدعلی آذری معتقد است: «استفاده از اهرم ممنوع الخروج کردن افراد از کشور که می باید به عنوان آخرین حربه از سوی بانک ها مورد استفاده قرار گیرد به اهرم برای راحت طلبی بانک ها تبدیل شده است. او می گوید: «در برخی بانک ها به جای دقت به هنگام پرداخت وام و یا دریافت تضمین کافی، مسؤولان ترجیح می دهند که از راه سهل الوصول و راحت ممنوع الخروج کردن افراد برای اعاده طلب خویش استفاده کنند. در صورتی که فرد، ضامن معتبر و یا وثیقه کافی برای بازگشت وام در اختیار بانک قرار داده باشد، ممنوع الخروج کردن او نوعی تخلف بانکی است و شخص می تواند با مراجعه به بانک مرکزی و طرح ادعای خود رفع ممنوعیت کند. اکنون سؤال عمده آن است که حربه استفاده از ممنوع الخروج کردن افراد تا چه حد اهداف بانک ها را در دریافت مطالباتشان برآورده ساخته است؟ در این باره نظرهای مختلفی وجود دارد. چنانکه آقای نظامتیان می گوید این حربه چندان مؤثر نبوده و کارایی نداشته است. وی توضیح می دهد: در مورد بدهکاران، ملاک حقوقی آن است که فقط اموال شخص بدهکار قابل توقیف شود که البته در ایران از این اصل عدول شده است. به نظر من، ممنوع الخروج کردن افراد تأثیر حقوقی چندانی نداشته و به همین دلیل، بازدهی چندانی هم نداشته است و بانک ها نتوانسته اند با استفاده از این اهرم به مطالبات خویش دست یابند. من فکر می کنم ابهام بخشنامه های بانک مرکزی این مشکل را تعمیق کرده و اگر بانک مرکزی ترتیبی دهد که دعوی حقوقی بانک ها در دستگاه قضایی خارج از نوبت و در اسرع وقت رسیدگی شود، بسیار مؤثرتر و بهتر خواهد بود.

در این باره کارشناس ارشد بانک ملی نیز توضیح می دهد: «باتوجه به اینکه برخی از بدهکاران به سیستم بانکی، فراریانی هستند که بازگشت آنها به کشور هیچ چشم اندازی ندارند، استفاده از حربه ممنوع الخروج کردن افراد هیچ گونه تأثیری بر این

افراد نداشته است. اما گاهی اوقات ممنوع الخروج کردن افراد مؤثر بوده است و از آن می توان به عنوان تنها راه باقی مانده استفاده کرد.

آقای عبدالعظیم جعفریان مدیر کل وصول و اجرای بانک کشاورزی نیز در این زمینه می گوید: «با عنایت به ماهیت تخصصی کار بانک کشاورزی، این بانک ترجیح می دهد در صورتی که معاذیر بدهکار موجه باشد، از طریق مساعدت و مداخلات با وام گیرنده، طلب خویش را دریافت کند و این اساس، بدهکاران عمدتاً بدون توسل به ممنوع الخروج شدن بدهی خود را می پردازند. به طور کلی این بانک مهم ترین عامل را برای وصول مطالبات بر مطالعه دقیق و کارشناسی طرح ها و نهایتاً احراز موفقیت طرح های پیشنهادی متمرکز نموده است.

رقم واقعی ممنوع الخروج شدگان

با این همه، مدیران بانک ها می گویند عده افرادی که بر اثر بدهی به سیستم بانکی ممنوع الخروج شده و تاکنون این ممنوعیت درباره آن هارفع نشده است، تقریباً به هزار و ششصد نفر بالغ می شود، چنانکه این رقم در بانک صادرات کمتر از دو بیست نفر، در بانک تجارت چهارصد و پنجاه نفر، در بانک های ملی و کشاورزی هر یک حدود چهارصد نفر، در بانک سپه هفتاد و یک نفر، در بانک مسکن چهل و نه نفر، در بانک صنعت و معدن بیست و پنج نفر و در بانک رفاه کارگران تعداد ممنوع الخروج شدگانی که هنوز از ایشان رفع ممنوعیت نشده فقط پنج نفر است.

باتوجه به اظهارات یک مقام آگاه در بانک مرکزی مبنی بر اندک بودن تعداد افرادی که بر اثر پیمان سهاری ارزی از سوی بانک ها ممنوع الخروج شده اند، به نظر می رسد رقم کل بدهکاران ممنوع الخروج شده اعم از پیمان سهاران ارزی و یا تسهیلات گیرندگان داخلی حدود دو هزار نفر می باشد.

اکنون این سؤال به ذهن متبادر می شود که اعلام رقم ممنوع الخروج شدگان آن هم با ۲۵۰ درصد افزایش با چه هدفی انجام شده است؟ در این باره آقای محمدعلی آذری که به هنگام اعلام این خبر خود در خارج از کشور بوده و تأثیر این خبر را در خارج از مرزهای ایران مشاهده کرده است، می گوید: «من نمی دانم اعلام این رقم سنگین با چه هدفی صورت گرفته است؛ ولی به هر حال از این اقدام متأسفم. من معتقدم که این روی داد تأثیر بسیار نامناسبی بر روی وجهه ایران می گذارد و به هر حال بر روی

شرکای خارجی کشور تأثیر سوء دارد. کارشناس ارشد بانک ملی نیز ضمن ابراز اطمینان نسبت به اینکه تعداد ممنوع الخروج شدگان ناشی از بدهی بانکی از رقم اعلام شده بسیار کمتر است، می گوید: «من با اعلام این رقم موافق نبوده و نیستم و فکر می کنم ممکن است اعلام آن با اهداف خاصی صورت پذیرفته باشد.

اهداف پشت پرده

اما این اهداف چیست؟ کارشناسان می گویند در حالی که سیاست گذاری های نادرست اقتصادی و مالی و نیز مسأله مهم رانت خواران، و سوء استفاده افراد قدرتمند و خانواده های ایشان که به پدیده آقازاده ها مشهور شده، مهمترین مشکلات اقتصادی ایران را تشکیک می دهد، اعلام رقم ۵۰۰۰ نفر ممنوع الخروجین ناشی از بدهی به بانک ها و یا ۵۷۰۰۰ نفر بدهکاران مالیاتی ممکن است با هدف سرپوش گذاشتن بر مشکلات اقتصادی ایران و یاب و منظور تصفیه حساب جناح های سیاسی صورت گرفته باشد.

آنچه این ظن را قوی می کند این است که میحت بدهکاران به نظام بانکی همچنانکه در زمانی کوتاه به صورت تب تند در آمد، خیلی زود هم به عرق نشست! آیا چنین وضعیتی شک برانگیز نیست؟ بیست روز تمام، با در نظر گرفتن این اصل که مقامات قضایی و مسؤولین بانک ها حق ندارند قبل از ثبوت تخلف در دادگاه و صدور رأی از سوی قاضی، نام کسی را اعلام کنند، کوشیدیم ولو به تلویح هم که شده، اندک اطلاعاتی در مورد کسانی که به تعریف رییس سازمان بازرسی کل کشور خارج از ضوابط و با توسل به شیوه های نامشروع از بانک های دولتی ایران وام گرفته اند، کسب کنیم و دریابیم نام چند نفر از آنها در فهرست ممنوع الخروج ها است. اما به چه نتیجه ای رسیدیم؟ هیچ! یا کسانی که مورد پرسش ما قرار گرفتند به واقع نام این افراد را نمی دانستند یا می دانستند، اما به دلیلی که خود می دانند، تظاهر به ندانستن کردند.

یک بار دیگر به صورت مسأله نگاه کنیم ... یک مقام قضایی می گوید ۵ هزار بدهکار به بانک ها ممنوع الخروجند. رییس سازمان بازرسی کل کشور به صراحت از تخلفات بزرگ با رقم های کلان در بعضی بانک ها سخن می گوید. اما حتی یک نام - ولو به صورت نمادین - از کسی برده نمی شود. نه از آنها که آن وام های کلان و غیرقانونی را داده اند و نه آنها که این وام ها را گرفته اند.

آیا این موضوع، شک برانگیز نیست؟